



## تفسیر آیه «مباهله» از دیدگاه اهل بیت (ع) و اهل سنت

پدیدآورده (ها) : اسماعیل زاده، ایلقار  
ادیان، مذاهب و عرفان :: پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی :: تابستان و پاییز 1383 -  
شماره 10 و 11  
از 87 تا 106  
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/317556>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان  
تاریخ دانلود : 06/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

# تفسیر آیه مباحله

## از دیدگاه اهل بیت<sup>(ع)</sup> و اهل سنت

حجت الاسلام و المسلمین ایلقار اسماعیل زاده\*

### چکیده

آیه «مباحله» (آل عمران: ۶۱) از مهم‌ترین ادله قرآنی، در خصوص فضیلت و برتری اهل بیت(ع) محسوب می‌گردد. مفسران و دانشمندان مذهب اهل بیت(ع) و اهل سنت در طول تاریخ درباره این آیه بحثهای مختلفی را انجام داده‌اند. در این مقاله با توجه به اهمیت موضوع، آیه «مباحله» را به صورت تطبیقی از دیدگاه فریقین بررسی و به شبهات، ابهامات و سوالات مربوط پاسخ داده شده است.

نکته حائز اهمیت این است که از ظاهر آیه «مباحله» نمی‌توان برای ولایت و رهبری اهل بیت(ع) استفاده نمود؛ چون ظاهر این آیه شریفه صرفاً فضیلت و برتری اهل بیت(ع) را بیان می‌کند، ولی با توجه به معنا و مفهوم آیه و مقایسه مصادیق آن با دیگران، می‌توان از آن برای ولایت و رهبری اهل بیت(ع) نیز استفاده‌هایی کرد.

واژه‌های کلیدی: آیه مباحله، تفسیر تطبیقی، اهل بیت(ع)، اهل سنت، روایات، مفسران.

### بخش اول: تفسیر و تبیین اجمالی آیه مباحله

آیه مباحله، آیه ۶۱ از سوره مبارکه آل عمران است که دارای دو بیت آیه است و از سوره‌های مدنی به حساب می‌آید. در این سوره مبارکه از معارف بلند اسلامی، دستورهای جاوید دینی و برخی سرگذشتهای سخن به میان آمده است. خداوند متعال در آیه مباحله چنین می‌فرماید:

ان مثل عیسی عند الله کمثل آدم کمثل خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون. الحق من ربك فلا تکن من الممتزین. فمن حاجک فیه من بعد ما جائک من العلم قفل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نسااتنا و نسااتکم و انفسنا و انفسکم ثم نبهت فنجعل لعنت الله علی الکاذبین؛<sup>۱</sup>

\* فارغ التحصیل کارشناسی ارشد در رشته علوم قرآن و حدیث، از مدرسه عالی امام خمینی(ره).

«همانا مثل عیسی در نزد خدا، همچون مثل آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود: «موجود باش!» او هم فوراً موجود شد [بنابراین ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت او نیست]. اینها حقیقتی است از جانب پروردگار تو، بنابراین از تردیدکنندگان مباش. هرگاه بعد از علم و دانشی که [درباره عیسی مسیح] به تو رسیده، باز کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم، شما هم زنان خود را؛ ما نفوس خود را دعوت کنیم، شما هم نفوس خود را؛ آن‌گاه مباحله کنیم و لعنت خداوند را بر دروغ‌گویان قرار دهیم.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این آیه، سخن از «مباحله» می‌رود که تبیین و توضیح این کلمه بسیار مناسب و ضروری است.

### نگاهی به معنای مباحله

«مباحله» واژه‌ای عربی است و معنای آن رها کردن و قید و بندی را از چیزی برداشتن است. یکی از معانی آن به حال خود گذاشتن حیوان ماده و نبستن پستان اوست تا بدین وسیله نوزادش بتواند به راحتی شیر بنوشد. در زبان عربی به این حیوان ماده «باهل» گفته می‌شود.<sup>۲</sup> همچنین این کلمه به معنای لعنت کردن نیز آمده است.<sup>۳</sup> اما این واژه در اصطلاح به معنای نفرین کردن دو نفر یا دو گروه به یکدیگر است؛ به‌گونه‌ای که افرادی که با هم درباره یک مسئله مهم دینی، مذهبی و... با یکدیگر گفت‌وگو و اختلاف دارند، در یک جا جمع شوند و به درگاه الهی تضرع کنند و از خداوند بخواهند که فرد دروغگو یا ظالم را رسوا سازد و یا بر او عذابی نازل فرماید.

### شأن نزول آیه مباحله

روایات مربوط به شأن نزول آیه مباحله متعدد و کمی متفاوت است که در اینجا به نقل یکی از آنها اکتفا می‌کنیم:

هیأتی از مسیحیان منطقه نجران در شهر مدینه، خدمت پیامبر اسلام (ص) رسیدند و چنین گفتند: آیا فرزندی را که بدون پدر به دنیا آمده باشد، دیده‌اید؟ خداوند متعال در جواب سؤال آنها، آیه ۵۹ (ان مثل عیسی عندالله...) از سوره آل عمران را نازل فرمود و به آنها اعلام کرد که عیسی (ع) همانند حضرت آدم (ع) است که بدون پدر و مادر به وجود آمد. وقتی که هیأت مسیحی بر جهل و ادعای خود اصرار ورزیدند، پیامبر اسلام (ص) [بر اساس دستور الهی] آنها را به مباحله فراخواند. آنها تا فردای آن روز از پیامبر (ص) مهلت درخواستند. اسقف اعظم [روحانی بزرگ هیأت مسیحی] به آنها چنین گفت: شما فردا به محمد (ص) نگاه کنید. اگر برای مباحله با

طرح

سال سوم، شماره ۱۰-۱۱، تابستان و پاییز ۸۳

۸۸

فرزندان و اهل خود آمد، از مباحله با او بترسید و اگر با اصحاب خود آمد، با او مباحله کنید، زیرا [در این صورت] چیزی در بساط ندارند.  
 فردای آن روز پیامبر اکرم(ص) همراه علی بن ابی طالب، حسن و حسین و فاطمه آمد. آن حضرت(ص) دست علی بن ابی طالب را گرفته بود، حسن و حسین در پیش روی او راه می‌رفتند و حضرت فاطمه پشت سر آن حضرت(ص) بود.

هیأت مسیحی نیز در حالی آمدند، که اسقف اعظم آنها پیشاپیششان بود. هنگامی که او پیامبر اسلام(ص) را با آن چند نفر دید، درباره آنها سؤال کرد به او گفتند که این پسر عمو و داماد او و محبوبترین مردم نزد اوست و این دو پسر، فرزندان دختری او، از علی(ع) هستند و آن بانوی جوان، دخترش فاطمه(ع) است که عزیزترین مردم نزد او و نزدیکترین افراد به قلب اوست...

در این هنگام هیأت مسیحی از مباحله امتناع ورزید و اسقف اعظم مسیحیان به پیامبر اسلام(ص) گفت: یا ابالقاسم! ما با تو مباحله نمی‌کنیم، بلکه مصالحه می‌کنیم. پیامبر اسلام(ص) نیز با آنها بر پرداخت جزیه مصالحه نمود.<sup>۴</sup>

در روایتی آمده است که اسقف آنها گفت: «من صورتهایی را می‌بینم که اگر از خدا تقاضا کنند که کوهها را از جا برکند، چنین خواهد کرد. هرگز با آنها مباحله نکنید که هلاک خواهید شد و یک مسیحی تا روز قیامت بر روی زمین باقی نخواهد ماند.»<sup>۵</sup> همچنین در روایت دیگری آمده است که پیامبر اسلام(ص) پس از امتناع هیأت مسیحی از مباحله و رضایت دادن آنها به پرداخت جزیه چنین فرمود: «قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث نمود، اگر آنها با ما مباحله می‌کردند، وادی آتش بر روی آنها می‌بارید.»<sup>۶</sup>

### بخش دوم: آیه مباحله از دیدگاه روایات فریقین

اگر به منابع حدیثی و تفسیری مذهب اهل بیت(ع) و اهل سنت نگاه کنیم، خواهیم دید که درباره آیه شریفه مباحله، روایات بسیاری از پیامبر اسلام(ص)، اهل بیت(ع) و اصحاب و تابعین نقل شده است.

در اینجا قبل از ذکر نمونه‌هایی از این روایات، نگاهی گذرا به منابع فریقین می‌کنیم و قسمتی از منابع متعدد این روایات را ارائه می‌دهیم:

۱. صحیح مسلم، مسلم نیشابوری(متوفای ۲۶۱ق)، ص ۱۰۴۲، ح ۳۲(کتاب الفضائل باب فضائل علی بن ابی طالب).

۲. الجامع الصحیح(سنن ترمذی)، ابوعیسی محمد بن عیسی ترمذی(۲۰۹-۲۹۷ق)، ج ۵، ص ۲۲۵.

ح ۲۹۹۹.

۳. اسباب النزول، واحدی نیشابوری (متوفای ۴۶۸ق)، ص ۹۰-۹۱.
۴. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ق)، ج ۳، ص ۱۵۰.
۵. جامع البیان عن تأویل آی القرآن، محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰ق) ج ۳، ص ۳۰۰-۳۰۱، جزء ۳.
۶. تفسیر القرآن العظیم، ابن ابی حاتم (متوفای ۳۲۷ق)، ج ۲، ص ۶۶۷-۶۶۸ احادیث ۳۶۱۶-۳۶۱۹.
۷. تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ق)، ج ۱، ص ۳۷۹.
۸. الدر المنثور فی التفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ق)، ج ۲، ص ۲۳۱-۲۳۳.
۹. تفسیر الکشاف، جارالله زمخشری (متوفای ۵۳۸ق)، ج ۱، ص ۳۶۸-۳۷۰.
۱۰. الجامع الاحکام القرآن، قرطبی (متوفای ۶۷۱ق)، ج ۳، ص ۱۰۴ (چاپ مصر، ۱۹۳۶م).
۱۱. تفسیر السمرقندی، نصر بن محمد سمرقندی (متوفای ۳۷۵ق)، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵.
۱۲. تفسیر الفخر الرازی، فخر رازی (۵۴۴-۶۰۴ق)، ج ۸، ص ۸۸-۸۹.
۱۳. تفسیر البیضاوی، عبدالله بن عمر بیضاوی (متوفای ۷۹۱ق)، ج ۱، ص ۱۶۳.
۱۴. المسند، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۸۵، چاپ مصر.
۱۵. دلائل النبوة، حافظ ابونعیم اصفهانی، ص ۲۹۷.
۱۶. جامع الاصول، ابن اثیر، ج ۹، ص ۴۷۰، السنة المحمدية، مصر.
۱۷. تذکرة الخواص، ابن جوزی، ص ۱۷.
۱۸. تفسیر روح المعانی، آلوسی، ج ۳، ص ۱۶۷، منیریه، مصر.
۱۹. تفسیر الجواهر، شیخ طنطاوی، ج ۲، ص ۱۲۰، چاپ مصر.
۲۰. الاصابة، احمد بن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۵۰۳، چاپ مصر.
۲۱. تفسیر العیاشی، ابونصر محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۷، احادیث ۵۸، ۵۷، ۵۹ و ۵۴.
۲۲. تفسیر فرات الکوفی، ص ۸۵-۹۰، ج ۶۱.
۲۳. الامالی، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق)، ص ۳۰۷، ج ۶۱۶.
۲۴. التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق)، ج ۲، ص ۴۸۴.
۲۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، شیخ طبری (متوفای ۵۲۸ق)، ج ۲، ص ۷۶۲-۷۶۳.
۲۶. البرهان فی تفسیر القرآن، سید بحرانی (متوفای ۱۰۹۱ق)، ج ۲، ص ۴۹-۵۰، ج ۱۲، ۱۳، و ۱۴.
۲۷. تفسیر نور الثقلین، حویزی (متوفای ۱۱۱۲ق) ج ۱، ص ۳۴۹، ج ۱۶۳.
۲۸. تفسیر ابوالفتح رازی (متوفای ۵۵۴ق)، ج ۴، ص ۳۶۰-۳۶۱.

طبری

سال سوم، شماره ۱-۱۰، تابستان و پائیز ۸۳

۹۰

شایان ذکر است که قاضی نور الله شوشتری در کتاب احقاق الحق حدوداً شصت نفر از بزرگان (مفسران، محدثان و...) اهل سنت را نام می‌برد که به اختصاص آیه مباحله به اهل بیت(ع) تصریح نموده‌اند.

اکنون پس از آشنایی اجمالی با قسمتی از منابع روایات مربوط به آیه مباحله، با مراجعه به تعدادی از منابع تفسیری و حدیثی مذهب اهل بیت(ع) و اهل سنت، نمونه‌هایی از احادیث و روایات را ذکر می‌کنیم و در پایان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از روایات خواهیم پرداخت.

### الف. منابع مذهب اهل بیت(ع)

۱. «قال علی(ع)... لما نزلت هذه الاية «قل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم...» اخذ بيد علی و فاطمه و ابنيهما(ع)، فقال رجل من النصارى (اليهود): لا تفعلوا فتحيبکم عنت...<sup>۷</sup>؛ امام علی(ع) فرمود:... هنگامی که آیه مباحله نازل شد، پیامبر(ص) دست علی، فاطمه و دو پسر او(ع) را گرفت و برای مباحله آمد. که در این هنگام مردی از مسیحیان (و یا مردی از یهود) گفت: (با اینها مباحله نکنید که به مشقت گرفتار می‌شوید.»

۲. امام صادق(ع) نقل می‌کند که از امیرالمؤمنین، امام علی(ع) درباره فضایلش سؤال شد. آن حضرت(ع)، قسمتی از فضایل خود را برای آنها بازگو نمود. گفتند: (یا علی!) باز هم بگو. آن حضرت فرمود: «نزد پیامبر(ص) دو نفر از اخبار نصارا از اهل نجران آمدند و درباره عیسی(ع) به مباحله پرداختند. خداوند متعال هم آیات مباحله را نازل فرمود. پس از این پیامبر(ص) دست علی(من)، حسن و حسین و فاطمه را گرفت و کف دست خود را به سوی آسمان گشود و آنها را به مباحله فراخواند.»<sup>۸</sup>

۳. «عن ابی جعفر(ع) فی قوله «ابنائنا و ابنائکم» (یعنی) الحسن و الحسین، «انفسنا و انفسکم» رسول الله(ص) و علی(ع). «و نساننا و نسانکم» فاطمه الزهراء(س)؛<sup>۹</sup> امام باقر(ع) درباره آیه مباحله فرمود: منظور از «پسران ما...» حسن و حسین و منظور از «خودمان...»، پیامبر خدا(ص) و علی(ع) و منظور از «زنانمان...»، فاطمه زهرا(س) است.»

۴. حضرت امام رضا(ع) در یک مجلس علمی که مأمون عباسی آن را در کاخ خود برگزار نموده بود، چنین فرمود: «خداوند، بندگان پاک خود را در آیه مباحله مشخص ساخته و به پیامبرش دستور [انجام مباحله با مسیحیان نجران] داده است... به دنبال نزول آیه، پیامبر(ص)، علی و فاطمه، حسن و حسین(ع) را با خود به مباحله برد... این مزیتی است که هیچ کس در آن بر اهل بیت(ع) پیشی نگرفته و فضیلتی است که هیچ انسانی به آن نرسیده و شرفی است که قبل از آن هیچ کس از آن برخوردار نبوده است.»<sup>۱۰</sup>

۵. عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش (سعد بن ابی وقاص) نقل می کند که روزی معاویه به وی گفت: چه چیز مانع می شود که ابوتراب (علی بن ابی طالب) را سب کنی؟ سعد بن وقاص گفت: به خاطر سه خصلتی که در او دیده ام و یکی از آنها چنین است: «لما نزلت آية المباهلة (تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم...) اخذ رسول الله (ص) بيد علی و فاطمة و حسن و حسین (ع) قال: هؤلاء اهلی؛<sup>۱۱</sup> هنگامی که آیه مباهله نازل شد... پیامبر خدا (ص) دست علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) را گرفت و چنین گفت: اینان اهل بیت من هستند.»

۶. عن سعد بن ابن وقاص قال... لما نزلت هذه الآية «ندع ابنائنا و ابنائکم» دعا رسول الله (ص) علیا و فاطمة و حسنا و حسینا (ع) و قال: اللهم هؤلاء اهلی؛<sup>۱۲</sup> سعد بن ابی وقاص می گوید: هنگامی که این آیه [مباهله...] نازل شد، پیامبر خدا (ص) علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) را فراخواند و گفت: خداوندا! اینان اهل من هستند.»

## ب. منابع مذهب اهل سنت

۱. «قال جابر: و فهم نزلت «ندع ابنائنا و ابنائکم و نساتنا و نساتکم و انفسنا و انفسکم» قال جابر: «انفسنا و انفسکم» رسول الله (ص) و علی بن ابی طالب و «ابنائنا» الحسن و الحسين و «نساتنا» فاطمة؛<sup>۱۳</sup> جابر می گوید: [این آیه مباهله] درباره آنها [اهل بیت] نازل شده است... منظور از «خودمان» رسول خدا و علی بن ابی طالب است، منظور از «پسران ما» حسن و حسین و منظور از «زنان ما» فاطمه است.»

۲. «عن زید بن علی فی قوله: «تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم...» الآية، قال: كان النبی (ص) و علی و فاطمة و الحسن و الحسين؛<sup>۱۴</sup> از زید بن علی نقل شده است که درباره آیه مباهله گفت: آنان پیامبر (ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین بودند.»

۳. «عن السدی «فمن حاجك فيه من بعد ما جاتك من العلم... الآية» فأخذ یعنی النبی (ص) بيد الحسن و الحسين و فاطمة و قال لعلی اتبعنا، فخرج معهم. فلم يخرج يومئذ النصارى و قالوا: انا نخاف ان يكون هذا النبی (ص) و ليس دعوة النبی کثیرها، فتخلفوا عنه يومئذ. فقال النبی (ص): لو خرجوا لاحترقوا فصالحوه علی صلح...؛<sup>۱۵</sup> سدی نقل می کند: هنگامی که آیه مباهله نازل شد، پیامبر خدا (ص) دست حسن و حسین و فاطمه را گرفت و به علی فرمود که به دنبال آنها بیاید و بدین وسیله جهت مباهله آماده شدند، ولی مسیحیان حاضر به مباهله نشدند و گفتند: ما می ترسیم که این همان پیامبر خدا باشد و دعای پیامبر مانند دعای دیگران نیست. بدین جهت در آن روز از

طهر

شماره ۱۱-۱، تابستان و پاییز ۸۳

۹۲

مباهله امتناع ورزیدند. پیامبر خدا(ص) فرمود: اگر آنها مباهله می کردند، می سوختند، بنابراین پیامبر خدا(ص) با آنها مصالحه نمود...»

۴. عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش نقل می کند که روزی معاویه بن ابی سفیان به وی گفت: چرا ابوتراب (علی بن ابی طالب) را سب می کنی؟ سعد بن ابی وقاص گفت: به خاطر سه خصلتی که پیامبر خدا درباره وی فرموده است... [و یکی از آنها چنین است]:

«و لما نزلت هذه الآية «قل ندع ابناءنا و ابنائکم» دعا رسول الله (ص) علیا و فاطمه و حسنا و حسینا، فقال: اللهم هؤلاء اهلی؛<sup>۱۶</sup> هنگامی که آیه مباهله نازل شد، پیامبر خدا(ص)، علی، فاطمه، حسن و حسین را فراخواند و سپس گفت: خداوند! اینان اهل من هستند.»

حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ق) پس از نقل این روایت چنین می نویسد: «هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین و لم یخرجاه؛<sup>۱۷</sup> این حدیث بر اساس شرط [صحت و پذیرش حدیث] بخاری و مسلم، صحیح است، ولی آن دو این روایت را نقل نکرده اند.»

۵. جابر بن عبدالله نقل می کند که هیأتی از اهل نجران پیش پیامبر اسلام(ص) آمدند و با آن حضرت(ص) به گفت و گو پرداختند. پیامبر اسلام(ص) آنها را به مباهله (ملاعنه) دعوت نمود و قرار گذاشتند که فردای آن روز مباهله کنند. فردای آن روز، پیامبر خدا(ص) دست علی، فاطمه، حسن و حسین را گرفت و آنها را به مباهله فراخواند، ولی آنها از انجام مباهله امتناع ورزیدند و به پرداخت جزیه رضایت دادند. پیامبر اسلام(ص) پس از آن فرمود: «قسم به خدایی که مرا به حق مبعوث نمود، اگر آنها مباهله می کردند، بر روی آنها یک وادی آتش می بارید.»<sup>۱۸</sup>

۶. «قال الشعبي: «بنائنا» الحسن و الحسين «و نائنا» فاطمة، «و انفسنا» علی بن ابی طالب؛<sup>۱۹</sup> شعبی می گوید: منظور از «پسران ما» حسن و حسین و منظور از «زنان ما» فاطمه و منظور از «خودمان» علی بن ابی طالب است.»

### بررسی و جمع بندی روایات

آنچه می توان به طور کلی از روایات و احادیث فوق به دست آورد، شامل مطالب ذیل است:

۱. آیه مباهله در درجه نخست، به طور روشن بر فضیلت و برتری پنج تن آل عبا (ع) - پیامبر اسلام، امام علی، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین - دلالت دارد.

۲. آیه مباهله مختص به پنج تن مقدس است و این از ظاهر آیه شریفه و روایات فریقین به دست می آید.

۳. امام علی(ع)، فاطمه زهرا(س)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع)، در نزد پیامبر اسلام(ص) شأن و منزلت بسیار ویژه ای داشتند.



۴. طبق این روایات، پیامبر گرامی اسلام(ص) هنگام آوردن عزیزترین افراد خود، آنها را اهل بیت(ع) خود نامیده است که این هم در درجه نخست به معنای اصطلاح قرآنی و حدیثی «اهل بیت» مربوط می‌شود.

۵. احتجاج خود امامان(ع) و نیز برخی از اصحاب پیامبر اکرم(ص) به آیه مباهله برای اثبات برتری اهل بیت(ع)، قرینه محکمی بر وقوع این حادثه است و نیز بر اختصاص آن به اهل بیت(ع) تأکید می‌ورزد.

### بخش سوم: آیه مباهله از دیدگاه مفسران فریقین

پس از تبیین و تفسیر اجمالی آیه مباهله و بررسی آن از دیدگاه احادیث و روایات فریقین، در این بخش با رعایت اختصار، این آیه را از دیدگاه تعدادی از مفسران مذهب اهل بیت(ع) و اهل سنت بررسی می‌کنیم و سپس بر جمع‌بندی دیدگاهها می‌پردازیم.

### آیه مباهله از دیدگاه مفسران مذهب اهل بیت(ع)

۱. شیخ طوسی(۳۸۵-۴۶۰ق) در تفسیر خود و در ذیل همین آیه شریفه می‌نویسد: «هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر اسلام(ص)، دست علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) را گرفت و سپس مسیحیان(نجران) را به مباهله فراخواند، ولی آنها از مباهله امتناع ورزیدند و با ذلت به جزیه دادن رضایت دادند... حتی برخی از آنها گفتند: اگر با اینها مباهله کنیم، تا روز قیامت هیچ مرد و زن مسیحی باقی نمی‌ماند.»<sup>۲۰</sup> مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۲. شیخ طبرسی(متوفای ۵۴۸ق) در ذیل همین آیه می‌نویسد: «این آیه، درباره هیأت مسیحی نجران نازل شده است که از پیامبر(ص) درباره حضرت عیسی - تولد یافتن او بدون پدر- سؤال نمودند و چون جواب پیامبر اسلام(ص) را نپذیرفتند، پیامبر آنها را به مباهله فراخواند و فردای آن روز همراه علی بن ابی طالب، حسن، حسین و فاطمه آمد... ولی آنها از مباهله سرباز زدند و به جزیه دادن راضی شدند.»<sup>۲۱</sup>

۳. شیخ ابوالفتح رازی(متوفای ۵۵۴ق) در تفسیر خود، ضمن بیان مفصل شأن نزول آیه مباهله، می‌نویسد: «...پیامبر اسلام پس از نزول این آیه، هنگام مباهله همراه علی، حسن و حسین و فاطمه آمد و آماده مباهله شدند، اما مسیحیان نجران ترسیدند و از مباهله عذر آوردند.»<sup>۲۲</sup>

۴. سید فضل الله(مفسر معاصر) در تفسیر خود، ضمن بیان شأن نزول آیه مباهله - مباحثه بین مسیحیان نجران و پیامبر اسلام و دعوت آنها به مباهله - می‌نویسد: «پیامبر اسلام(ص) فردای آن روز همراه امام علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) آمد و آماده مباهله شد، ولی آنها با دیدن پیامبر(ص) و اهل بیت آن حضرت از مباهله عذر خواستند و با قبول کردن پرداخت جزیه برگشتند.»<sup>۲۳</sup>

طهری

شماره ۱۱-۱۰، تابستان و پیاپی ۸۲

۹۴

۵. شیخ ناصر مکارم شیرازی (مفسر معاصر) نیز در تفسیر خود ضمن بیان شأن نزول آیه مباهله می‌نویسد: «...پیامبر اسلام برای مباهله با مسیحیان نجران، علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) را همراه خود آورده بود.»<sup>۲۴</sup>

### آیه مباهله از دیدگاه مفسران مذهب اهل سنت

۱. محمدبن جریر طبری (متوفای ۳۱۰ق) در تفسر معروف خود ضمن بیان شأن نزول آیه مباهله می‌نویسد: «پیامبر اسلام(ص) جهت مباهله با مسیحیان نجران، همراه علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) آمد و آماده مباهله شد، ولی آنها با پیامبر مصالحه نمودند و راضی به پرداخت جزیه شدند.»<sup>۲۵</sup>

۲. نصر بن محمد سمرقندی (متوفای ۳۷۵ق) در تفسیر خود می‌نویسد: «پیامبر اسلام(ص) آنها [مسیحیان نجران] را به مباهله دعوت نمود و جهت مباهله همراه علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) آمد، ولی آنها از انجام مباهله سرباز زدند. در این هنگام پیامبر(ص) به آنها فرمود: یا اسلام بیاورید و یا جزیه بدهید. آنها به پرداخت جزیه رضایت دادند و برگشتند. پیامبر اسلام(ص) فرمود: اگر آنها مباهله می‌کردند، همگی هلاک می‌شدند، حتی گنجشکهای نشسته بر دیوارهایشان.»<sup>۲۶</sup>

۳. فخر رازی (۴۴۴-۴۰۴ق) در تفسیر خود پس از بیان توضیحات لازم می‌نویسد: «پیامبر اسلام(ص) - پس از اصرار مسیحیان نجران بر جهل خود - آنها را به مباهله فراخواند و برای مباهله همراه علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) آمد و به آنها فرمود: هرگاه من دعا کردم، شما آمین بگویید. اسقف نجران گفت: ای مسیحیان! من صورتهایی را می‌بینم که اگر خداوند را برای کندن کوه از جای خود بخواهند، [کوهها] از جای خود کنده می‌شوند. با آنها مباهله نکنید؛ زیرا هلاک می‌شوید و در روی زمین تا روز قیامت هیچ نصرانی باقی نمی‌ماند. آنها سپس به پرداخت جزیه راضی شدند و پیامبر اسلام(ص) فرمود: اگر آنها مباهله می‌کردند، تبدیل به میمون و خوک می‌شدند... و خداوند نجران و اهل آن را - حتی پرندگان نشسته بر شاخه‌های درختانشان را - هلاک می‌نمود.»

فخر رازی در ادامه می‌افزاید: «و روی انه علیه السلام لما خرج فی المرط الاسود فجاء الحسن(ع) فأدخله ثم جاء الحسين(ع) فأدخله، ثم فاطمه، ثم علی(ع)، ثم قال: انما یرید الله لیزهد عنکم الرجس اهل البیت و یتطهیراً. روایت شده است که پیامبر اسلام(ص) با یک عبای پشمی سیاه رنگ از منزل خارج شد، حسن(ع) آمد و آن را داخل عبای خود نمود و سپس حسین(ع) آمد، او را نیز در زیر عبای خود قرار داد، سپس علی و فاطمه(ع) آمدند و سپس آن حضرت(ص) فرمود: «خدا فقط می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.»

فخر رازی پس از نقل این روایت چنین می‌نویسد: «واعلم ان هذه الرواية كالتفق على صحتها بين اهل التفسير والحديث؛<sup>۲۷</sup> بدان که در مورد صحت این روایت بین مفسران و محدثان اتفاق نظر وجود دارد.»

۴. ابوالفدا اسماعیل بن کثیر دمشقی (متوفای ۲۷۴ق) در تفسیر خود می‌نویسد: عده‌ای از مسیحیان نجران حضور پیامبر اسلام (ص) آمدند و با آن حضرت (ص) درباره عیسی (ع) احتجاج کردند... هنگامی که پیامبر اسلام (ص) آنها را به مباحله فراخواند، همراه علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) آمد، ولی آنها از مباحله امتناع ورزیدند و به پرداخت جزیه رضایت دادند.<sup>۲۸</sup>

۵. عبدالله بن عمر بیضاوی (متوفای ۲۹۱ق) نیز در تفسیر خود ذیل آیه مباحله چنین می‌نویسد: «پیامبر اسلام (ص) برای مباحله با مسیحیان نجران، علی، فاطمه، حسن و حسین (ع) را همراه خود آورد و به آنها فرمود: هنگامی که من دعا کردم، شما آمین بگویید. اسقف آنها گفت: ای مسیحیان، من صورتهایی را می‌بینم که اگر خداوند را برای کندن کوه از جای خود بخواهند، [کوهها] از جای خود کنده می‌شوند. با آنها مباحله نکنید که هلاک می‌شوید. سپس آنان به پرداخت جزیه راضی شدند. پیامبر اسلام (ص) فرمود: قسم به خدایی که جانم در دست اوست، اگر مباحله می‌کردند، تبدیل به میمون و خوک می‌شدند... نجران و اهل آن - حتی پرندگان نشسته بر شاخه‌های درختانشان نیز - از بین می‌رفتند.»

بیضاوی در ادامه چنین می‌گوید: «و هو دلیل علی نبوته و فضل من أتی بهم من اهل بیته؛<sup>۲۹</sup> این [حادثه و روایت] دلیلی بر نبوت [پیامبر اسلام] و دلیلی بر برتری و فضیلت اهل بیت آن حضرت است که همراه او [به مباحله] آمده بودند.»

### بررسی و جمع‌بندی دیدگاهها

جمع‌بندی ما از دیدگاههای مفسران اهل بیت (ع) و اهل سنت چنین است:

۱. مفسران مذهب اهل بیت (ع) و اهل سنت، همگی مصادیق آیه مباحله را پیامبر اسلام (ص) علی بن ابی طالب (ع)، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین (ع) می‌دانند و هیچ یک از آنها شخص دیگری را در این امر با آنها شریک نمی‌پندارند.
۲. مفسران فریقین در بیان دیدگاه خود، درباره آیه مباحله، به روایات و احادیث مربوط تکیه کرده و تقریباً بر اساس روایات و احادیث، دیدگاه خود را بیان نموده‌اند.
۳. برخی از آنها (عبدالله بن عمر بیضاوی) آیه مباحله را دلیل بر فضیلت و برتری اهل بیت (ع) معرفی نموده و به این مسئله تصریح کرده‌اند.

طهری

شماره ۱۱-۱، تابستان و پاییز ۸۳

۹۶

**بخش چهارم: نقد و بررسی شبهات، ابهامات و سؤالات مربوط به آیه مباهله**  
آنچه در سه بخش گذشته درباره آن بحث شد، شامل مطالبی بود که بر اختصاص آیه مباهله به پنج تن آل عبا(ع) تأکید می‌کرد. با وجود این، درباره آیه مباهله نیز چند سؤال و شبهه مطرح شده است که در این بخش به نقد و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

### ۱. آیه مباهله و تعبیر جمع

یکی از مهم‌ترین سؤالات مطرح شده درباره آیه مباهله، تعبیر جمع در این آیه شریفه و عدم مطابقت آن با احادیث و روایات موجود در منابع فریقین است که در آنها مصادیق این آیه افراد معین - نه جمع - معرفی می‌شوند. طبق احادیث و روایات موجود در منابع فریقین، منظور از «ابناءنا» - پسران ما - حسن و حسین، منظور از «نساءنا» - زنان خویش - فاطمه زهرا(س) و منظور از «انفسنا» - نفوس خود - پیامبر اسلام(ص) و امام علی(ع) است.<sup>۳۰</sup> از طرف دیگر طبق بیان محمدرشیدرضا(۱۸۶۵-۱۹۳۵م)، در زبان عربی کلمه «نساءنا» - زنان ما - بر دختر شخص و نیز «انفسنا» - نفوس ما - بر یک نفر (امام علی) اطلاق نمی‌شود.<sup>۳۱</sup>

### نقد و بررسی

در پاسخ به این سؤال مطرح شده باید بگوییم:

۱. پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) مبین و مفسر آیات نورانی قرآن کریم است. خداوند متعال در همین خصوص می‌فرماید: «وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم ولعلمهم یتفکرون»<sup>۳۲</sup> ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم تا آنچه را به سوی مردم نازل شده است، برای آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند.» بنابراین بر امت اسلامی فرض است که پیامبر اسلام(ص) را مفسر و مبین حقیقی قرآن کریم بدانند و بیانات آن حضرت(ص) را در این باره بدون چون و چرا بپذیرند.

۲. بر اساس روایات و احادیث صحیح و مورد قبول مذهب اهل بیت(ع) و اهل سنت، پس از نزول آیه مباهله، پیامبر اسلام(ص) جهت انجام مباهله با هیأت مسیحی نجران، علی بن ابی طالب(ع)، فاطمه زهرا(س)، حسن و حسین(ع) را همراه خود آورده و آنها را اهل بیت خود معرفی نموده است.<sup>۳۳</sup> به همراه آوردن این اشخاص در واقع نوعی تفسیر و تبیین کلمات به کار رفته در این آیه مباهله(ابنائنا، نساءنا، و انفسنا) است و اگر کسی در این خصوص اعتراضی داشته باشد، در واقع به شخص پیامبر اکرم(ص) اعتراض می‌کند.

۳. قرآن کریم مملو از چنین مواردی است که در آنها به جای یک فرد ضمیر یا صیغه جمع به کار رفته است که در اینجا به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

## الف. سوره آل عمران، آیه ۱۷۳

«الذین قال لهم الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم إيماناً وقالوا حسبنا الله ونعم الوكيل؛ اینها [مومنان واقعی] کسانی بودند که (بعضی از) مردم به آنان گفتند: مردم [لشکر دشمن] برای [حمله به] شما اجتماع کرده‌اند. از آنها بترسید، اما این سخن برایمان آنها افزود و گفتند: «خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ماست.» براساس دیدگاه عده‌ای از مفسران، قائل این سخن نعیم بن مسعود الاشجعی بود که وی به دستور ابوسفیان، قصد ترساندن مسلمانان از مشرکان را داشت.<sup>۳۴</sup>

## ب. سوره آل عمران، آیه ۱۸۱

«لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء...: همانا خداوند سخن آنها را که گفتند: خدا فقیر است و ما بی‌نیازیم، شنید.» بر اساس اعتراف عده‌ای از مفسران فریقین، قائل این سخن بی‌اساس، حی بن اخطب و یا غنحاص [از یهودیان] بوده است.<sup>۳۵</sup>

اگر به آیات نورانی قرآن کریم و شأن نزول آنها توجه بیشتری کنیم، روشن خواهد شد که در موارد متعددی، به جای یک فرد از ضمیر و یا صیغه جمع استفاده شده است که همه اینها نشانه بی‌اساس بودن سؤال مورد بحث است.

## ۲. آیه مباهله و سن کم امام حسن (ع) و امام حسین (ع)

یکی دیگر از سوالات و شبهات مطرح شده درباره آیه مباهله و روایات مربوط به آن، این است که می‌گویند: حسن و حسین (ع) هنگام نزول آیه مباهله، غیربالغ و غیرمستحق برای ثواب بوده‌اند و اگر آن دو غیرمستحق برای ثواب باشند، افضل الصحابه (برترین اصحاب) به حساب نمی‌آیند.<sup>۳۶</sup>

## نقد و بررسی

در پاسخ این شبهه باید بگوییم:

۱. با اینکه امام حسن و امام حسین (ع) هنگام نزول آیه مباهله سن کمتری داشتند، نباید فراموش کرد که انتخاب آن دو برای مباهله بر اساس روایات متعدد و صحیح فریقین توسط پیامبر اکرم (ص) انجام گرفته است و اگر اشخاص دیگری برتر و افضل از آنها وجود داشتند، حتماً پیامبر اسلام (ص) به جای آن دو، همان افراد را همراه خود به مباهله می‌آوردند. بنابراین، صرف آوردن این دو برای مباهله، به طور روشن بر برتری و افضل بودن آنها دلالت دارد و کم بودن سن آنها در این باره مشکلی ایجاد نمی‌کند. البته برتری آنها پس از پیامبر اسلام (ص) و علی بن ابی طالب (ع) است.
۲. نباید فراموش کرد که برتری و افضلیت، همواره با رسیدن فرد به مرتبه بلوغ و ازدیاد سن نیست و گاه اشخاص مقدسی در سن بسیار کم به مقامات بزرگ الهی رسیده‌اند که با مراجعه به آیات نورانی قرآن کریم، دو مورد از آنها را ذکر می‌کنیم:

طهر

سال سوم، شماره ۱۰، تابستان و پاییز ۸۳

۹۸

## الف. حضرت یحیی (ع)

«یا یحیی خذ الكتاب بقوة و ائیناه الحکم صبیاً؛<sup>۳۷</sup> [ما پس از تولد یحیی به او گفتیم]: ای یحیی! کتاب [الهی] را با قوت بگیر [و به آن عمل کن] و ما [حکمت و پیامبری را] در سن کودکی به وی دادیم.»

بر اساس بیان نصر بن محمد سمرقندی (متوفای ۳۷۵ق) و مفسر معروف، فخر رازی (۵۴۴-۱۰۴۰ع)، منظور از «حکم» در این آیه شریفه، پیامبری، اندیشه و خیر و برکت است.<sup>۳۸</sup> همچنین مرحوم شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸ق) در ذیل همین آیه، از عبدالله بن عباس روایتی نقل می‌کند که بر اساس آن، حضرت یحیی (ع) در سه سالگی به مقام پیامبری رسیده است.<sup>۳۹</sup>

## ب. حضرت عیسی مسیح (ع)

«قال انی عبدالله ااتانی الكتاب و جعلنی نبیاً؛<sup>۴۰</sup> [عیسی مسیح در گهواره به سخن آمد و چنین گفت: همانا من بنده خدا هستم و خداوند به من کتاب [انجیل] داده و مرا پیامبر قرار داده است.»

شیخ کلینی (متوفای ۳۲۹ق) در کتاب الکافی از امام باقر (ع) نقل می‌کند که آن حضرت (ع) فرمود: «کان یومئذ نبیاً حجة الله غیر مرسل...؛ حضرت عیسی (ع) در آن هنگام یک پیامبر الهی غیر مرسل (و) حجت الهی بود.» آن حضرت (ع) در ادامه می‌فرماید: «فلما بلغ عیسی (ع) سبع سنین تکلم بالنبوة و الرسالة حین اوحی الله تعالی الیه...؛<sup>۴۱</sup> وقتی حضرت عیسی (ع) به هفت سالگی رسید، بر اساس وحی الهی نازل شده بر او، از نبوت و رسالت خود خبر داد...».

همان گونه که از آیات و روایات مذکور به دست می‌آید، رسیدن به یک مقام و فضیلت الهی و به ویژه مقام نبوت و رسالت، حتماً مبتنی بر رسیدن آن شخص به حد تکلیف و بلوغ نیست. بنابراین برتری و افضلیت امام حسن (ع) در سن کودکی، امری عادی به حساب می‌آید؛ چون این مسئله کمتر از مقام نبوت و رسالت است که حتی در سن سه و هفت سالگی و حتی در گهواره، به برخی از پیامبران الهی داده شده است. آنچه در این مورد ضرورت دارد، معرفت، عقل و طاعت الهی و اقرار به رسالت و نبوت پیامبر اسلام (ص) است که این ویژگیها نیز بدون شک در امام حسن و امام حسین (ع) وجود داشته است.

بنابراین آمدن امام حسن (ع) و امام حسین (ع) برای مباحله، دلیل روشنی بر افضلیت و برتری آن دو پس از پیامبر اسلام (ص) و امام علی بن ابی طالب (ع) در میان امت اسلامی و نیز دلیلی بر برتری و افضلیت آنها بر اصحاب دیگر پیامبر اسلام (ص) - البته بعد از پدرشان امام علی (ع) - به حساب می‌آید و کم بودن سن آنها در این باره هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند.

### ۳. آیه مباهله و ادعای جعل و نشر احادیث

یکی دیگر از شبهات مهم در خصوص آیه مباهله و روایات مربوط به آن، ادعای ساختگی بودن احادیث و روایات مربوط به آن است.

محمد رشیدرضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵م) در همین خصوص چنین می‌نویسد:

و مصادر هذه الروایات الشیعة و مقصدهم منها معروف و قداجتهدوا فی ترویجها ما استطاعوا حتی راجت علی کثیر من اهل السنة...<sup>۴۲</sup> مصادر این روایات مربوط به شیعه است و منظور و مقصود آنها نیز معلوم است. آنها در ترویج این روایات به اندازه توان خود کوشش نمودند و بدین وسیله این روایات در میان بسیاری از اهل سنت رایج گشته است.

### نقد و بررسی

در پاسخ به این شبهه بسیار سست و غیرعلمی، ذکر مطالب ذیل را مناسب و کافی می‌بینیم:

۱. همان‌گونه که در ابتدای این بحث (بخش دوم) گذشت، روایات مربوط به شأن نزول آیه مباهله، در منابع متعدد برادران اهل سنت موجود است. همچنین علاوه بر منابع متعدد برادران اهل سنت، در تعداد قابل توجهی از منابع تفسیری، حدیثی و کلامی مذهب اهل بیت (ع) نیز امثال این روایات با طرق مختلف نقل و ثبت شده است که قسمتی از آنها را در بخش دوم ملاحظه کردید.

۲. ادعای مزبور به سبب نداشتن دلیل علمی و منطقی، قابل قبول نیست و در عین حال برای مذهب اهل سنت، بسیار خطرناک به نظر می‌رسد؛ چون اگر روایات مربوط به آیه مباهله به وسیله پیروان مذهب اهل بیت (ع) در کتب حدیثی و تفسیری معتبر اهل سنت مانند صحیح مسلم، سنن ترمذی، مستدرک علی الصحیحین و تفاسیر طبری، سمرقندی، فخر رازی و ابن کثیر دمشقی، وارد شده باشد، آن وقت باید در مورد سایر احادیث و روایات موجود در آنها نیز چنین ادعایی به عمل آید که در این حال، این احادیث و روایات برای خواننده خود یقین و اعتماد نمی‌آورند، اما چنین ادعایی تنها در مورد احادیث و روایات مربوط به برتری و فضیلت اهل بیت (ع) ارائه می‌شود که این هم دلیل و قرینه خوبی بر بی‌اساس بودن آن است.

### بخش پایانی: نتیجه‌گیری

آنچه می‌توان از مباحث گذشته به عنوان نتیجه به دست آورد، عبارت است از:

۱. بر اساس آیه شریفه مباهله و روایات و احادیث مربوط به آن، می‌توان نتیجه گرفت که امام حسن (ع) و امام حسین (ع) پسران رسول گرامی اسلام (ص) محسوب می‌شوند. شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸) در همین باره می‌نویسد:

طهری

سال ۱۳۸۳، شماره ۱۱-۱، تابستان و پاییز ۸۳

۱۰۰

اجمع المفسرون علی ان المراد بأبناءنا، الحسن و الحسين(ع) و قال ابوبکر الرازی: هذا يدل علی ان الحسن و الحسين(ع) ابناء رسول الله(ص) و ان ولد الابنة ابن نبی الحقیقة؛<sup>۴۳</sup> مفسران اتفاق نظر دارند که منظور از «ابنائنا» [پسران ما در آیه مباحله] حسن و حسین(ع) است و ابوبکر رازی می گوید: این دلالت می کند که حسن و حسین(ع) دو پسر رسول خدا (ص) هستند و همانا فرزند دختر در حقیقت پسر به شمار می آید.

همچنین مفسر اهل سنت، فخر رازی(۵۴۴-۶۰۴ق) می نویسد:

هذه الآية دالة علی ان الحسن و الحسين(ع) كانا ابني رسول الله(ص)....<sup>۴۴</sup> این آیه دلالت بر آن دارد که حسن و حسین(ع) دو پسر پیامبر خدا(ص) هستند....

گفتنی است که همین مطلب را می توان از آیات دیگر قرآنی نیز به دست آورد. فخر رازی در این باره به آیات ۸۴-۸۵ سوره انعام استدلال نموده است.

۲. بر اساس آیه شریفه مباحله و روایات مربوط به آن، نتیجه می گیریم که منظور از «نساءنا» زنان خویش - در آیه مباحله حضرت فاطمه(س) و منظور از «انفسنا» - خود ما - در درجه نخست پیامبر عظیم الشأن اسلام (ص) و سپس علی بن ابی طالب(ع) است.

بدون شک تلقی علی بن ابی طالب(ع) به عنوان «انفسنا» - خود - به نزدیک و گرمی تر بودن آن حضرت(ع) نزد رسول اکرم(ص) دلالت آشکار دارد، اما با این تفاوت که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) پیامبر نیست و بر او وحی نازل نمی شود، ولی در عین حال پس از رسول اکرم (ص) برترین صحابه برای تصدی رهبری و خلافت امت اسلامی به شمار می آید.

۳. آوردن علی بن ابی طالب(ع)، فاطمه زهرا(س)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) جهت انجام مباحله، در نوع خود بر برتری و افضل بودن آنها دلالت آشکار دارد. چون اگر افراد مقدس دیگری در میان همسران و اصحاب پیامبر اسلام (ص) وجود داشتند، پیامبر اسلام(ص) حتماً به جای اینها، آن افراد برتر را برای مباحله همراه خود می آوردند. مفسر معروف اهل سنت، جارالله زمخشری(۴۶۷-۵۳۸ق) در همین خصوص می نویسد:

و فيه دليل لاشي اقوى منه علي فضل اصحاب الكساء(ع)؛<sup>۴۵</sup> در

این [آیه و روایات] دلیل بسیار محکمی است بر فضل و برتری اصحاب

کساء [پیامبر، امام علی، فاطمه، حسن و حسین - ع -].

همچنین مفسر دیگر اهل سنت، عبدالله بن عمر بیضاوی (متوفای ۷۹۱ق) پس از توضیح و

تفسیر آیه مباحله چنین می نویسد:





صادق(ع) فرمود: خود را سه روز اصلاح کن(ابو مسروق می گوید: گمان می کنم که فرمود: روزه بگیر و غسل کن). سپس با کسی که می خواهی مباحله کنی، به صحرا برو و سپس انگشتان دست راست خود را در انگشتان او قرار بده و سپس از خودت آغاز کن و بگو:

«اللهم رب السموات السبع و رب الارضين السبع، عالم الغيب و الشهادة الرحمن الرحيم...»؛

خدایا! (ای) پروردگار آسمانها و زمینهای هفت گانه! (ای) عالم غیب و شهادت(و ای پروردگار) رحمان و رحیم! اگر ابومسروق حقی را انکار و باطلی را ادعا کرده، بر او از آسمان عذاب و بلایی بفرست.»  
سپس دعا را بر او برگردان و بگو: «و اگر فلانی حقی را انکار کرده و باطلی را ادعا نموده، از آسمان بر او عذاب و بلایی را بفرست.»

امام صادق(ع) در ادامه حدیث فرمود: «چیزی نمی گذرد که نتیجه این (مباحله) آشکار خواهد

شد. به خدا سوگند هرگز کسی را نیافتم که حاضر باشد با من این چنین مباحله نماید.»<sup>۴۸</sup>



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## بی نوشتہا

۱. آل عمران (۳)، آیہ ۵۹-۶۱
۲. رک: راغب الاصفہانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۴۹ (مادہ بھل)، دارالقلم، دمشق، چاپ اول، ۱۴۱۲ق؛ الزمخشری، جارالله، اساس البلاغہ، ص ۳۲، تحقیق: عبدالرحیم محمود، دارالمعرفہ، بیروت، بی تا.
۳. رک: احمد بن محمد القیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۶۴، مؤسسہ دارالہجرۃ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق؛ الزمخشری، اساس البلاغہ، ص ۳۲.
۴. شیخ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۶۲، دارالمعرفہ، بیروت، ۱۹۸۶م.
۵. الفخر الرازی، تفسیر الفخر الرازی، ج ۸، ص ۸۹، دارالفکر، بیروت، چاپ سوم، ۱۹۸۵م؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۶۲، جار الله الزمخشری، تفسیر الکشاف، ج ۱، ص ۳۶۸-۳۶۹، نشر البلاغہ، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۶. الواحدی النیشابوری، اسباب النزول، ص ۹۰، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۹۹۴م؛ الزمخشری، تفسیر الکشاف، ج ۱، ص ۳۶۹.
۷. العیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۵۸، المكتبة العلمية الاسلامية، تہران، ۱۳۸۰ق؛ البحرانی، البرہان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۰، ح ۱۳، مؤسسۃ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۸۲م.
۸. العیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۷۶، ح ۵۴؛ البرہان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۹، ح ۹.
۹. فرات الکوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۸۵-۸۶، ح ۶۱، تحقیق: محمد الکاظم، مؤسسۃ الطبع و النشر لوزارۃ الثقافۃ و الارشاد الاسلامی، تہران، چاپ اول، ۱۹۹۰م.
۱۰. الحویزی، تفسیر نورالقلین، ج ۱، ص ۳۴۹، ح ۱۶۳، تحقیق: سید ہاشم رسولی محلاتی، مؤسسہ اسماعیلیان، قم، چاپ چہارم، ۱۴۱۲ق.
۱۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۵۹؛ البرہان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۰، ح ۱۴.
۱۲. شیخ طوسی، الامالی، ص ۳۰۷، ح ۱۶، مؤسسۃ البعثۃ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۳. ابن کثیر الدمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۷۹، دارالمعرفہ، بیروت، ۱۹۱۷م؛ اسباب النزول، ص ۹۱؛ السیوطی، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج ۲، ص ۲۳۱، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۳م.
۱۴. الطبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۳، ص ۳۰۰، جزء ۳، دارالفکر، بیروت، ۱۹۸۸م.
۱۵. جامع البیان عن تأویل ای القرآن، ج ۳، ص ۳۰۰، جزء ۳؛ ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۶۶۷، ح ۳۶۱۸ (با کمی تفاوت)، المكتبة العصرية، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۹۹م.
۱۶. مسلم النیشابوری، صحیح مسلم، ص ۱۰۴۲، ح ۳۲، (الفضائل)، باب فضایل علی بن ابی طالب (ع)، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۰م؛ الترمذی، الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، ج ۵، ص ۲۲۵، ح ۲۹۹۹.

طہر

لار  
موم  
شماره ۱۱-۱۰  
تابستان و پائیز ۸۳

۱۰۴

- داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا؛ الحاکم النیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۰ (کتاب معرفة الصحابة، باب من مناقب اهل بیت رسول الله - ص -)، دارالمعرفة، بیروت، بی تا؛ الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج ۳، ص ۲۳۲-۲۳۳؛ رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۳، ص ۳۲۲، دارالفکر، بیروت، چاپ دوم، چاپ افست.
۱۷. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۰.
۱۸. اسباب النزول، ص ۹۰.
۱۹. همان، ص ۹۱.
۲۰. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۸۴، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۶۲-۷۶۳ (با تلخیص).
۲۲. الرازی، تفسیر ابوالفتح الرازی، ج ۴، ص ۳۶۰-۳۶۱، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲ش.
۲۳. سید فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، ج ۶، ص ۶۳-۶۴، دارالمالک، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۹۸م.
۲۴. شیخ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۷۸-۵۸۰، دارالمکتب الاسلامیة، تهران، چاپ ۲۷، ۱۳۷۸ش.
۲۵. جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۳، ص ۲۹۹-۳۰۱، جزء ۳ (ذیل آیه ۶۳ سوره آل عمران).
۲۶. السمرقندی، تفسیر السمرقندی، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۳م.
۲۷. تفسیر الفخر الرازی، ج ۸، ص ۸۹-۸۸.
۲۸. تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۳۷۹.
۲۹. البیضاوی، تفسیر البیضاوی، ج ۱، ص ۱۶۳، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۹۸۸م.
۳۰. این سؤال و پاسخ آن در تفسیر من وحی القرآن، ج ۶، ص ۷۱۶-۷۱۷ و تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۸۶-۵۸۸ آمده است.
۳۱. رک: تفسیر المنار، ج ۳، ص ۳۲۲.
۳۲. نحل (۱۶)، آیه ۴۴.
۳۳. رک: صحیح مسلم، ص ۱۰۴۲، ج ۳۲، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۲۲۵، ج ۲۹۹۹؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۰، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج ۳، ص ۲۳۲-۲۳۳؛ اسباب النزول، ص ۹۰-۹۱؛ جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۳، ص ۳۰۰، جزء ۳، الامالی، شیخ طوسی، ص ۳۰۷، ج ۱۶۶؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۷۷، احادیث ۵۸۵، ۵۸۸، ۵۸۹؛ تفسیر القرات الکوئی، ص ۸۰-۹۰، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۹-۵۰، احادیث ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۴۰...
۳۴. رک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۸۹؛ تفسیر البیضاوی، ج ۱، ص ۱۹۰؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۴۳۸ (ابن کثیر در تفسیر خود، قائل این سخن را شیطان معرفی کرده است)؛ تفسیر المنار، ج ۴، ص ۲۳۸-۲۳۹.
۳۵. رک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۹۸؛ تفسیر البیضاوی، ج ۱، ص ۱۹۳؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۴۴۳.
۳۶. گفتنی است که این سؤال و جواب آن در کتاب التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۸۵-۴۸۶ آمده است.

۳۷. مریم (۱۹)، آیه ۱۲.
۳۸. ر.ک: تفسیر السمرقندی، ج ۲، ص ۲۳۰؛ تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۱، ص ۱۹۲.
۳۹. ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶ ص ۷۸۱.
۴۰. مریم (۱۹)، آیه ۳۰.
۴۱. شیخ کلینی، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۱، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۸ق.
۴۲. تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، ج ۳، ص ۳۲۲.
۴۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۶۳.
۴۴. تفسیر الفخر الرازی، ج ۸، ص ۸۹.
۴۵. تفسیر الکشاف، ج ۱، ص ۳۷۰.
۴۶. تفسیر البیضاوی، ج ۱، ص ۱۶۳.
۴۷. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۹۰.
۴۸. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۱، ح ۱۷۴.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

طهر

سال سوم، شماره ۱۱-۱۰، تابستان و پاییز ۸۳

۱۰۶